



امام خمینی (ره):  
حوزه ها و روحانیت باید  
نبض تفکر و نیاز آینده  
جامعه را همیشه در دست  
خود داشته باشند.

امام خامنه ای:  
مراحل تشکیل تمدن اسلامی،  
انقلاب اسلامی، نظام اسلامی،  
دولت اسلامی، جامعه اسلامی،  
تمدن اسلامی



محمد صادق سخاوی یزدی  
استاد حوزه علمیه یزد

## نقش بی بدیل علامه مصباح (رحمه الله علیه) در تحول اخلاقی حوزه

افراد - با حسن نیت - خواهان حفظ روال سنتی حوزه و پیمودن راه سلف صالح گذشته هستند و چه بسا در نظر آنان، اگر کسی قصد ایجاد تحول در حوزه را داشته باشد، در حال منحرف کردن حوزه از مسیر اصلی است!

اما با نگاه به فعالیت‌های علمی حضرت علامه شاهد خواهیم بود که ایشان دائرةالمعارفی از علوم عقلی و از جمله آن فلسفه اخلاق نگاشته‌اند و مکتب اخلاقی اسلام را تدوین نموده‌اند. اگر بخواهیم سیر علمی ایشان در ایجاد تحول در علم اخلاق را مرور کنیم به طور خلاصه می‌توان گفت که ایشان با طرح مباحث اخلاقی به صورت منظم، فلسفه اخلاق را به عنوان علم معرفی و تدوین کرد. در ادامه با معین کردن، غایت شناسی علم اخلاق که همان قرب الهی است، علم اخلاق را به معنای واقعی اسلامی کرد. سپس هر کدام از فضیلت‌ها و ردزایل اخلاقی را به (فردی، الهی، اجتماعی و زیست محیطی) و هر یک را به (بینشی، گرایشی و کنشی) تقسیم و با این فعالیت علم اخلاق اسلامی را قرآنی کرد.

علامه مصباح یزدی با ذهنی عمیق و جامع‌نگر اندیشه‌های فلسفی رادر پرتوی از نور توحید و معنویت

اندرون خانه‌ها رسانیده است. امری که نگرش، خلیقات و سبک زندگی انسان‌ها را دگرگون نموده و نیازهای جدیدی را در حوزه علم اخلاق ایجاد نموده و ضرورت تحول و بروز رسانی در علم اخلاق را نشان می‌دهد. جناب علامه مصباح یزدی (رحمه الله) با توجه به تلمذ در مکتب اخلاق عرفانی اساتید بزرگی چون مرحوم امام خمینی (رحمه الله) علامه طباطبایی (رحمه الله) آیت الله بهجت (رحمه الله) و شهید آیت الله مطهری و... طلایه دار این حرکت بوده و با پشتوانه بینش عقلانی و بهره‌مندی از سرچشمه قرآنی به خوبی در این عرصه ورود و تحولی ایجاد کرد که در این مقاله به اجمال ابعاد این نگاه تحولی و آثار ماندگار ایشان را در دو بخش علمی، پژوهشی و عملی یعنی چگونگی ترویج اخلاق در حوزه علمیه، مرور می‌کنیم.

### ابعاد ایجاد تحول علمی در زمینه اخلاق

تحول اخلاقی در حوزه علمیه با توجه به نکاتی که گذشت امری ضروری است لکن اهل علم می‌دانند که ایجاد تحول در حوزه‌ها به دلیل وجود فضای سنگین علمی و حساسیت امر دین، به سادگی اتفاق نمی‌افتد و هرکسی مرد این میدان نیست. کما اینکه خود علامه در اواخر عمر در این مورد می‌فرماید: «امروز برخی از

### جایگاه علم اخلاق در حوزه‌های علمیه و ضرورت تحول در آن

علم اخلاق که درباره صفات و رفتارهای شایسته و ناشایست سخن می‌گوید، به عنوان یکی از ابعاد سه‌گانه دین اسلام، نقشی اساسی در تبدیل اعتقادات به اعمال و رفتار مومنانه دارد. و می‌توان گفت که اخلاق انسانی روح دینداری است. چنانکه پیامبر اکرم (ص) هدف اصلی از بعثت خود را تکمیل فضائل اخلاقی دانستند و فرمودند: «انما بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ». و چه بسا مقدم شدن کلمه «تزکیه» در برخی آیات بر «تعلیم»، به این دلیل است که هدف اصلی و نهائی «تزکیه» است هرچند در عمل «تعلیم» مقدمه آن می‌باشد. اما در حوزه‌های علمیه که چشمه شناخت معارف دین برای تربیت انسان‌ها است، اولویت و ارزش این علم صدچندان است. اهتمام به اخلاق در اجتماع و در حوزه‌های علمیه در برهه‌های مختلف دستخوش فراز و فرودهایی بوده است. اما در قرون اخیر با ظهور مکاتب و ایدئولوژی‌های الحادی و تحولات سیاسی فرهنگی، هجمه‌های سنگینی به دین و فرهنگ و اخلاق وارد شده و تکنولوژی و رسانه، زبانه‌های این آتش را به

## تعابیر رهبر انقلاب در مورد علامه مصباح



### \*عاشق و فریفته‌ی امام

آقای مصباح جزو گروه یازده نفری بودند و با چه زحماتی و ... جزو آن عناصری که از اول، یعنی قبل از شروع نهضت، ایشان عاشق و فریفته‌ی امام بود.

### \*از برکات خدا بر ملت ما

همین تلاشی که دوستان کردند، بازحمات و تعلیم حضرت آقای مصباح (دامت برکاته) که واقعا از مفاخر زمان ما وجود شریف ایشان است، از برکات خدا بر ملت ما و بر حوزه‌های ما و بر جوان‌های ما یکی همین وجود شریف و پرخیر و برکت است، همین‌ها را قدر بدانید، دنبال کنید، این فکرها را در خود تعمیق کنید.

### \*تربیت فضایی آشنا با مقتضیات زمان

خدا را شکرگزاریم که بحمدالله به جناب آقای مصباح که از چهره‌ها و شخصیت‌های برجسته و نادر الوجود روحانیون امروز ما هستند، این توفیق را داده که مجموعه‌یی از برادران راجع کنند و تربیت کنند و آماده کنند برای کارهای مهم و مسؤلیت‌های حساس، بنده خود هم شخصا از جناب ایشان تشکر و سپاسگزاری می‌کنم.

### \*سطح بالای علمی و معنوی

یکی از خصوصیات آقای مصباح پرداختن به کارهای بنیادی است. کسی بهتر از ایشان را نمی‌توانید پیدا کنید. ایشان هم از لحاظ علمی در سطح بالایی قرار دارند و هم از لحاظ معنوی. خیلی مهم است این وارستگی و صفای معنوی و من خدا را شکر می‌کنم که چنین جلوه‌هایی وجود دارد.

### \*همواره بر مدار حق

از دهه ۱۳۳۰ تا کنون جناب آقای مصباح را می‌شناختم، همواره بر مدار حق بوده است. آیت‌الله مصباح یک فقیه، متکلم، فیلسوف، مفسر و زمان‌شناس بصیر است. از همه اینها مهم‌تر جزء شخصیت‌های برجسته‌ای است که هیچگاه در تقدم نظام بر خود تردید نداشته و در این راه بدون لحاظ داشتن موقعیت علمی خود به دل‌خوردگی و گاهی یک‌تنه با «خناسان مسلط، مصاف داده است.

### \*منبع بی‌غل و غش معارف اسلامی

جناب آقای مصباح حقیقتاً یکی از وجودهای مبارک و مغتنم در دوره‌ی ما هستند؛ منبع فکر و اندیشه‌ی بی‌غل و غش معارف اسلامی.

### ارائه سبک جدید تلفیقی (نقلی، عقلی و تجربی) در علم اخلاق

در بحث روش‌شناسی حوزه اخلاق، چند سبک و روش پژوهشی داریم: یکی سبک فلسفی و عقلی است که در آثار اندیشمندان یونان مثلاً ارسطو و دیگران دیده می‌شود و بسیاری از کتاب‌های اخلاقی ما متأثر از این سبک است؛ یکی سبک نقلی است که مبتنی بر گزاره‌های دینی یعنی آیات و روایات است. یکی هم سبک تجربی در حوزه اخلاق است که به روش‌های مختلف سبک‌های تجربی پژوهش‌های اخلاقی را انجام دادند یا با درون‌کاوی خودشان یا با کمک گرفتن از روانشناسی، که امروزه روانشناسی اخلاق مطرح است. یا به سبک‌های اخلاق تجربی می‌پردازند.

اما با مطالعه آثار حضرت علامه متوجه می‌شویم که یک اشرفی بر همه این سبک‌ها دارند. در برخی موارد خیلی عقلی مباحث اخلاقی را دنبال می‌کنند. در مواردی از آیات و روایات و شرح آنها به خوبی استفاده می‌کنند. در درون‌کاوی و تجربه‌درونی هم بحث‌هایی دارند که نمود خیلی جدی‌اش در بحث هرم نفس است، که به تحلیل نفس در قالب هرم نفس انسان می‌پردازند. در برخی موارد هم اشاراتی به اخلاق عرفانی دارند.

بنابراین به نظر می‌رسد که سبک علامه یک تلفیقی از این روش‌ها (نقلی، فلسفی، تجربی) است و به علت تسلطی که تقریباً بر حوزه نقل و هم در حوزه عقل دارند و بهره‌هایی که در حوزه شهود داشتند به خوبی توانستند از همه اینها در مباحث شان استفاده نمایند.

### پیوند اخلاق و سیاست ولایی

علامه مصباح یزدی پرداختن به سیاست را به عنوان یک وظیفه اخلاقی و دینی انجام می‌دادند. و فهم عمیق ایشان از موضوع ولایت و پایبندی ایشان به ولایت مداری نیز از همین روحیه معنوی ایشان بود که البته خود ایشان این روحیه را الگو گرفته از مرحوم آیه‌ا... بهجت می‌دانند و می‌فرمایند: «ایشان آیه‌ا... بهجت رحمه‌ا... فتانت و کیاست خاصی برخوردارند که در مسائل فردی، اجتماعی و حتی سیاسی روشن‌بینی و تیزبینی خاصی دارند، ... اما شاید برایتان جالب باشد که لاقلاً بزرگ‌ترین مشوق خود بنده در پرداختن به مسائل سیاسی و اجتماعی، آیه‌ا... بهجت رحمه‌ا... بودند که به صورت‌های مختلف به دوستان و کسانی که در درس شرکت می‌کردند، سفارش می‌فرمودند که به این‌گونه مسایل اهمیت بدهند و اشاره می‌کردند که اگر اشخاص غیر مقید به مسایل معنوی به این کارها بپردازند، روزگاری جو اجتماع به دست ناهلان خواهد افتاد و جامعه را از مسیر اصلی خارج خواهند کرد.»

به جویندگان و طالبان حقیقت ارائه می‌کرد و درس‌های اخلاق عارفانه و سلوک زاهدانه ایشان، طلاب جوان را با ایشان مانوس و جمع‌کنی را از اخلاق، عرفان، معنویت و معارف الهی بهره‌مند می‌نمود.

### نقد مکاتب اخلاقی غربی و طراحی نظام اخلاقی اسلامی

علامه مصباح یزدی نخستین شخصیتی هستند که به صورت آکادمیک و نظام‌مند، طرحی ابتکاری در نظام اخلاق پژوهی و علم اخلاق ارائه نموده‌اند. ایشان علاوه بر اقدامات عملی و اجرایی در زمینه اخلاق پژوهی به نظریه اخلاقی نیز پرداخته‌اند نظریات و پژوهش‌های شخصیت‌های پیش از ایشان عمدتاً زیر سلطه اخلاق ارسطویی قرار دارند. استاد علامه مصباح بر اساس انسان‌شناسی اسلامی، علاوه بر ارائه نظریه، اخلاق ارسطویی را نیز مورد بررسی و ارزیابی و نقد قرار داده‌اند و این امر در جهان اسلامی برای نخستین بار توسط ایشان رقم خورده است. پیش از ایشان مسائل اخلاق مطرح بود، اما فلسفه اخلاق نظام‌مند نبود. ایشان در عین واقع‌گرایی و مطلق‌گرایی در اخلاق، قریب‌پانزده مکتب اخلاقی را مورد نقد قرار داده است. مبدأ همه این ابعاد، انسان‌شناسی دقیق و و حیانی علامه مصباح یزدی است.

### نوآوری‌های علامه مصباح در فلسفه اخلاق در کنار سایر فلسفه‌های مضاف

ایشان طلایه دار ورود به فلسفه‌های مضاف و از جمله فلسفه اخلاق در جهان اسلام و عالم تشیع است. اهمیت فلسفه اخلاق بر کسی پوشیده نیست چرا که بدون تسلط بر این مباحث و اتخاذ موضع مناسب در این زمینه نمی‌توان وارد علم اخلاق شد. از طرف دیگر برای دفاع معقول از اصول اخلاقی و ارزشی اسلام، ناگزیر از پرداختن به فلسفه اخلاق هستیم. علامه مصباح یزدی در این باره می‌فرماید: «ما پیروان اخلاق قرآنی و مدافعان معارف اسلامی باید بتوانیم مبانی علمی و عقلی اخلاق قرآنی را به صورت تحلیلی و علمی به دیگران عرضه کنیم و در برابر سایر دیدگاه‌ها و مکاتب اخلاقی، از آنها دفاع نماییم. پرواضح است که این کار جز با غور و تعمق در مباحث فلسفه اخلاق امکان‌پذیر نیست.»

ایشان با طرح مباحث اخلاقی به صورت منظم، فلسفه اخلاق را به عنوان علم معرفی و تدوین کرد. و آثار وی در فلسفه اخلاق، جدای از اتقان و استحکام، باب‌های تازه‌ای را در ساحت فلسفه اخلاق گشوده است، که این مباحث می‌تواند تا سال‌های متمادی، زمینه نظریه‌پردازی‌های اندیشمندان مسلمان در این عرصه را فراهم کند.

محمد علی خسروی  
استاد حوزه علمیه یزد

## معمار تحول

گیرد. کاش می شد حوزه های علمیه هر روز ورقی از کتابش را بخوانند تا بدانند که او «مصباح» حوزه های علمیه است.



باید در همین «قم» تأسیس شود. او توانست با ذخایر علمی، معنوی و فکری خویش، مجموعه ای از معارف را در یک ساختار مدیریتی نظام مندرائده دهنده الگوی مناسبی را برای حوزه های علمیه «پسا انقلاب» ارائه دهد. عمق فکری و فلسفی در قالب نقدهای عالمانه به فلسفه اسلامی، کاربردی کردن فلسفه اسلامی و نقش آن در اسلامی سازی علوم انسانی در بیان فلسفه های مضاف، ارائه فهم جامع، نظام مند و زلال از معارف اسلامی در مجموعه ی تفسیر موضوعی قرآن کریم، پرچمداری بصیرت سیاسی و اجتماعی در دفاع جانانه از مبانی انقلاب اسلامی و مبارزه بانفاق و الحاد، تنها بخشی از کتاب «مصباح انقلاب» است که باید مورد مطالعه قرار

والبتّه نادر «معماران تحول» است که شناخت او ممکن است زمان بر باشد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، بسیاری از شخصیت های حوزوی تصورشان بر این بود که باید به مراکز دانشگاهی، آموزش و پرورش، مساجد و... بروند و معارف دینی و اسلامی را ترویج کنند و البته این یک نیاز بود که پرداختن به آن لازم بود. اما «مصباح انقلاب» که همیشه تفکرش از مطالعه اش بیشتر بود، به مساله عمیق تری تمرکز کرده بود و آن این بود که مانند مطهری به دانشگاه رفتن لازم است ولی؛ لازم تر از آن تربیت «مطهری ها» است. عقبه تئوریک نظام به خوبی دریافته بود که مصرف علوم و معارف حوزوی یک «نیاز» فوری برای جامعه اسلامی است اما حوزه های علمیه نیاز به صندوق ذخیره لایتناهی تولید معارف اسلامی دارند که

تحول خواهی و تغییر وضعیت موجود، کار بسیار دشواری است و نوعاً افراد معدودی در جوامع بشری توان مدیریت تحول خواهی را دارند و در موارد زیادی که تحولی صورت می گیرد، تغییرات؛ صرفاً یک تغییر است و لزوماً همراه با رشد و تعالی نیست. و البته تحول در مجموعه های علمی و مذهبی بسیار سخت تر از تحولات مدیریتی و حاکمیتی است. در تحولات علمی، علاوه بر مدیریت ساختاری و ظاهری، «مدیر» باید از دانش و مبانی سازه های علمی و فکری قابل اطمینان برخوردار باشد تا بتواند در مقابل سیل شبهات علمی و شوهوات نفسانی مقابله کند و در یک جنگ تمام عیار که ممکن است همراه با انگیزه های قوی سیاسی، دینی و اعتقادی باشد، با استحکام بایستد و بتواند مبانی فکری و فلسفی خودش را به نمایش بگذارد. علامه مصباح یزدی، یکی از مصادیق بارز

احمد حسین شریفی  
رئیس مؤسسه حکمت و فلسفه ایران

## درس هایی که باید از علامه مصباح آموخت:

دیده و دل را کنار زده اند؛ زنجیرهای که شیطان بر قلب و زبان آدمیان می تند را پاره کرده اند؛ به همین دلیل اهل بصیرت اند.

آیت الله مصباح در یک جهاد نفسانی طولانی مدت و با درس آموزی از محضر بزرگانی چون امام خمینی، علامه طباطبائی و آیت الله بهجت و با نگاه عمیق توحیدی ای که داشت توانسته بود چنین ردایی را از وجود خود ریشه کن کند؛ به همین دلیل، نه تنها حق و باطل را به خوبی می شناخت بلکه بدون لکنت زبان و با بیانی صریح و سلیس و با منطقی استوار آنها را در سطوح مختلف اجتماعی و حتی در تربیون های عمومی بیان می کرد.

(۴) کل نگری در عین جزنگری؛ از دیگر عوامل مهم بصیرت ز، برخورداری از دو ویژگی علمی شبه متضاد است؛ یعنی کل نگری از یک طرف و جزنگری و نکته بینی از طرف دیگر. کسانی که صرفاً کل نگر یا صرفاً جز نگر باشند، بصیرت لازم برای تشخیص حق از باطل در مسائل اجتماعی و سیاسی و فرهنگی را نخواهند داشت؛ و البته جمع میان این دو نیز کاری دشوار است. آیت الله مصباح حقیقتاً از جمله اندیشمندانی بود که ضمن برخورداری از نگاهی کلان به عالم و آدم و فلسفه سیاسی و اجتماعی و مسائل فرهنگی، نسبت به جزئیات برنامه های دشمنان نیز آگاهی و اشراف داشت.

است که همگی در آیت الله مصباح وجود داشتند:

(۱) شناخت حق و باطل و تشخیص مرزهای جداکننده حق و باطل؛ و این جز با در اختیار داشتن معیاری دقیق امکان ندارد؛ و آیت الله مصباح با مجاهدت های علمی و عملی فراوان، معیارهای برهانی و قرآنی و عرفانی و حتی تجربی تمییز حق از باطل را تحصیل کرده بود؛

(۲) قطع همه تعلقات دنیوی؛ از دیگر عوامل بصیرت ز، دل نبستن به جاه و مقام و اعتبارات و القاب این جهانی و دنیایی است؛ و آیت الله مصباح برای زدودن چنین تعلقاتی از وجود خود مجاهدت های نفسانی فراوانی کرده بود؛ و در این جهت هم کاملاً موفق شده بود. امور دنیوی و اعتبارات اجتماعی و دلبستگی های مادی چیزی نبود که آن روح بزرگ را به خود مشغول کنند؛

(۳) اخلاص و تقوا؛ از دیگر عوامل مهم بصیرت ز، اخلاص و تقوا است؛ قرآن کریم می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ» (اعراف، ۲۰۱) اهل تقوا، به هنگام مواجهه با لغزشگاه ها و دسیسه های شیطانی، هرگز نمی لغزند؛ آنها حقیقت را خوب می یابند و هرگز به دام شیطان نمی افتند. به تعبیر دیگر، انسان های پارسا به دلیل آنکه ردایل اخلاقی را از خود دور کرده اند و طمع و حرص و کبر و غرور در وجود آنان جایی ندارد، به همین دلیل، ابزارهای فریب شیطان را از او گرفته اند. حجاب های

یکی دیگر از ویژگی های برجسته آیت الله مصباح، «بصیرت» بود. او هم در مسائل دینی و هم در مسائلی اجتماعی و فرهنگی و سیاسی حقیقتاً دیدی نافذ و بصیرتی مثال زدنی داشت. ظرافت ها و نقاط کور را خوب می شناخت؛ اهداف پنهان دشمنان اسلام و انقلاب را به زیبایی تشخیص می داد و در بزنگاه ها وارد صحنه می شد و عماروار، مرز حق و باطل را مشخص می کرد و فتنه گران را از پشت نقاب های دروغینی که از دیانت و اصلاح گری و امثال آن بر چهره می زدند، بیرون می کشید و بنیان های فکری باطل و اهداف و مقاصد شیطانی پنهان آنان را آشکار می نمود. به تعبیر مقام معظم رهبری، «چنین شخصیتی مصداق کامل عالمی است که تشخیص دقیق خود را در روزی که لازم باشد، بی درنگ به میدان می آورد و در این راه سرزنش و زخم زبان دیگران را به چیزی نمی گیرد. در واقع تکریم حضرت آقای مصباح، تکریم راه حق و نشان دادن مصداق و الگوی شایسته است.» (رهبر انقلاب در دیدار اعضای مؤسسه امام خمینی، ۳ آبان، ۱۳۸۹)

اما به راستی آیت الله مصباح این بصیرت مثال زدنی را چگونه به دست آورده بود؟ و ما هم اگر بخواهیم از چنین بصیرتی برخوردار شویم، چه باید کنیم؟ در پاسخ می گویم بصیرت مثل هر ویژگی بینشی و گرایشی دیگری که در انسان هست، معلول عواملی

## علامه مصباح یزدی از پیشگامان تحول در حوزه علمیه

آیت الله محمد تقی مصباح یزدی در علوم ورشته های متعدد صاحب نظر و سبک و به حق یک علامه به تمام معنا بود. وی در باره حوزه و نظام آموزشی و تربیتی آن نیز دیدگاههای روشنی داشت که می توان ایشان را از پیشگامان تحول در حوزه دانست؛ ایشان توانست حوزه ها را از سیره سنتی به حوزه هایی که برای مرزبانی از اندیشه های ناب اسلامی کادر سازی می کنند، تغییر مسیر بدهد. چنان که آیت الله اعرافی مدیر حوزه های علمیه کشور در پیامی که به مناسبت ارتحال این عالم ربانی صادر کردند نوشتند: «از لطایف بارز در زیست پربرکت آیت الله مصباح یزدی میتوان به نوآوری های برجسته و اندیشه های مبتکرانه در قلمرو نظامات آموزشی و پژوهشی و مدیریتی حوزه و پیشگامی در تحول حوزه اشاره کرد و از رهگذر فکر عمیق آن مرحوم مرزهای دانشهای اسلامی و حوزوی گسترش یافت». ضرورت تحول در حوزه علمیه قبل از انقلاب هم مطرح بوده است. تعدادی از علما مثل آیت الله بهشتی و آیت الله قدوسی و آیت الله حقانی و... که دغدغه تحول در نظام آموزشی تربیتی حوزه را داشتند حوزه حقانی را در قم تأسیس کردند تا به عنوان یک نمونه برای ایجاد تحول در کل حوزه مطرح شود و قدم مثبتی در این زمینه باشد. چون ایجاد تحول در کل حوزه علمیه در آن شرایط میسر نبود و اگر میسر هم بود باز بهترین راه همین بود که اول به صورت آزمایشی در یک جای ایجاد شود و بعد تکثیر پیدا کند. بعد از آن حضرت آیت الله مصباح هم به ایشان می پیوندد و با مدیریت شورایی و برنامه ریزی دقیق به دنبال ایجاد یک تحول مثبت در حوزه بودند که این حرکت منجر به تأسیس موسسه در راه حق و بعد از آن موسسه امام خمینی (ره) شد. ایشان قائل بودند که تلاشهای فعلی در حوزه های علمیه برای پاسخگویی به نیازهای جامعه کافی نیست. بنابراین باید از چارچوب های مستحکم و استخوان بندی قوی حوزه های علمیه و از امکانات فکری و معنوی که در آنها هست برای پاسخ دادن به مسائل فراوان موجود استفاده کرد و انسانهایی را ساخت که بتوانند با بهره گیری از معارف و احکام اسلامی، نیازها را رفع و خلأهای موجود را پر کنند. تأسیس موسسه امام خمینی ره برای برداشتن قدمی در راه تحول در نظام آموزشی تربیتی حوزه بود و برای

اینکه بعضی خلأهای موجود در حوزه را پر کنند. علامه مصباح با تأسیس موسسه و ورود به بحث های فلسفه مضاف خلأهای علمی رادر موضوعات فلسفه اجتماعی برداشتند چون ۶۰ درصد از شبهات در حوزه دین را با پرداختن به فلسفه مضاف میتوان پاسخ داد. زیرامشکل جامعه اسلامی مثلاندانستن احکام حجاب، حقوقی، خانواده و... نیست بلکه می خواهند بدانند چرا اصلا اسلام چنین حکمی صادر کرده که فلسفه مضاف به این موضوعات می پردازد. در دنیای غرب فلسفه در زندگی اجتماع تأثیر گذار است ولی در فلسفه اسلامی اینگونه نبود و علامه مصباح کسی بوده که فلسفه اسلامی را به متن علوم انسانی و اسلامی کشید و کار فلسفه مضاف این است که مباحث فلسفی را به متن زندگی بکشاند.

حسین توکلی  
استاد حوزه علمیه یزد

### تکرار حق و وظیفه انبیاء و علماء ربانی

بررسی سیره سیاسی و تبلیغی انبیاء الهی (علیهم السلام) در قرآن و سبک برخورد آنها در مواجهه با مخالفان جبهه حق و توحید و مقایسه آن با سیره علمای ربانی به عنوان وارثان انبیا ضرورت دارد. در این مقال کوتاه قصد داریم سیره انبیای الهی با محوریت سوره شعرا از آغاز دعوت به توحید بررسی کنیم و در ادامه نوع مواجهه و موضع گیری ایشان نسبت به شبهات مطرح شده توسط مخالفان معاند را پیگیری کنیم تا الگویی باشد برای عالمان دینی و مدافعان انقلاب اسلامی در فضای حقیقی و فضای مجازی. در مرحله بعد به بررسی سیره علامه مصباح یزدی در مواجهه با شبهات دشمنان علیه اسلام و انقلاب اسلامی می پردازیم. در سوره مبارکه شعرا به ذکر داستان انبیای الهی مثل حضرت نوح، هود، صالح، لوط، شعیب، موسی و پیامبر گرامی اسلام پرداخته و وقتی سیره پنج نفر اول را بیان می کند جملاتی کاملاً تکراری را نقل می کند که هیچ تفاوتی باهم ندارند (لَا تَقُولُونَ، إِنِّي لَكُم رَسُولٌ أَمِينٌ، فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا، وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ، فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا) (۱۰۴-۱۱۰، ۱۲۴-۱۳۱، ۱۴۲-۱۵۰، ۱۶۱-۱۶۴، ۱۷۷-۱۸۰) این نشان می دهد که وظیفه انبیای الهی این بوده که در برابر انحرافات اعتقادی، سیاسی، اق تصادی، اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی... جامعه خویش، مدام حرف حق را تکرار کنند و مردم را دعوت به توحید و نبوت و اطاعت از دستورات انبیاء کرده بدون هیچ چشم داشت و توقعی، و در عمل نشان دهند که امانت دار هستند. در ادامه قرآن واکنش جامعه را نسبت به دعوت انبیاء بیان می کند و می فرماید اکثر جامعه به فرامین انبیاء

عمل نکرده بلکه بنای تکذیب را گذاشته و به تمسخر و تحقیر عده ی قلیلی که ایمان آوردند پرداختند. خداوند می فرماید ما هم در نهایت همان عده ی قلیل مؤمن را نجات دادیم و اکثریت را عذاب و نابود کردیم. از این آیات فهمیده می شود که عملکرد بشریت از اول عالم دنیا تا پایان آن یکسان بوده و عملکرد انبیاء و امامان هم یکسان بود و نتیجه آن هم یکسان بوده است. بشریت در گمراهی و غفلت به سر برده و آنرا همیشه تکرار کرده، انبیاء هم فقط حق را تکرار کرده، و در ادامه اکثر بشریت با انبیای الهی مخالفت کرده اند و به عذاب الهی گرفتار شده اند. پس باطل در طول تاریخ در حال تکرار شدن است و در مقابل آن، حرف حق هم باید تکرار شود. و این وظیفه بعد از انبیاء به عهده علمای ربانی است (العلماء ورثة الانبیاء). مرحوم علامه مصباح یزدی (رضوان الله علیه) در طول عمر با برکت خود به همین سیره انبیاء عمل کردند و این وظیفه را در هر برهه ای از زمان به طریقی به انجام رساندند. قبل از انقلاب، به تکرار حق در قالب نوشتن مقالاتی در مجله پاسدار اسلام و نقد عملکرد باطل رژیم پهلوی و مبارزات سیاسی پرداختند و به تأسیس مؤسسه در راه حق و همکاری در تأسیس مدرسه حقانی برای تربیت طلاب مستعد و آگاه به زمان و سیاست پرداختند. در همان دوره به طور جدی نظام فکری دکتر شریعتی را نقد کردند و در این مسیر از راه خود عقب نشینی نکردند تا جایی که استقامت ایشان باعث جدا شدن ایشان از مجموعه مدیریتی مدرسه حقانی شد. دهمان دوران به نقد مبانی کمونیسم و مارکسیسم هم پرداختند. بعد از پیروزی انقلاب ابتدا عضو شورای انقلاب فرهنگی شدند و در نهضت اسلامی کردن دانشگاه ها و متون درسی دانشگاه ها تلاش فراوانی کردند. و برای پاسخگویی به شبهات روز علیه اسلام و انقلاب، موسسه در راه حق را به مؤسسه باقر العلوم (علیه السلام) ارتقا دادند و به تربیت نسل جدیدی از نخبگان پرداختند. در نهایت با حمایت های مادی و معنوی حضرت امام و رهبر معظم انقلاب آنرا به موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (رحمت الله علیه) ارتقاء دادند که از نظر عملکرد و تأثیرگذاری جزو موفق ترین موسسات دینی جهان اسلام شد به طوری که رهبر انقلاب در هر سفر رسمی به شهر مقدس قم فقط و فقط از این مؤسسه بازدید کرده و مراتب قدردانی و تشکر و رضایت خود را اعلام نمودند. اکثر امامان جمعه موفق و تأثیرگذار در کشور، اساتید دروس معارف در دانشگاه ها، نمایندگان نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه ها، نمایندگان رهبری در کشورهای دنیا و... از دانش آموختگان و فارغ التحصیلان این مؤسسه هستند. در دهه اول انقلاب وقتی که آیت الله مصباح متوجه انحرافات فکری بعضی از دوستان و همکاران سابق مثل دکتر سروش و عده ای از روشنفکران شدند با مناظره، نقد مکتوب و سخنرانی جلوی شبهات آنها ایستادند و حرف حق را تکرار کردند.

نشریه سیاسی، فرهنگی نبض آینده

صاحب امتیاز: مدیریت حوزه علمیه استان یزد

(دفتر اجتماعی سیاسی)

مدیر مسئول: محمدعلی خسروی

سر دبیر: موسی نجف پور

گرافیک: محمد دهقان